

بیانات در اجتماع کارگران در کارخانجات تولیدی داروپخش - 10 / اردیبهشت / 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على ءاله الأطيبين الأطهرين المنتجبين سيّما بقية الله فى الأرضين.

هفته‌ی کارگر را نه فقط به قشر عزیز کارگر، بلکه به ملت ایران تبریک عرض میکنم. اگر دستهای کارگر، مغزهای کارگر، انسانهای کارآفرین، نیروی انسانی ماهر در یک جامعه‌ای گرمی داشته شود، آن جامعه پیشرفت خواهد کرد. اینکه نبی مکرم اسلام دست کارگر را بالا می‌آورد و میبوسد، این فقط تقدیر از یک شخص نیست؛ این ارزشگذاری است، این درس است؛ به ما میگوید که دست کارگر، تولیدگر و نیروی انسانی آنقدر ارزش دارد که کسی مثل وجود مقدس پیامبر - که همه‌ی آفرینش طفیل وجود اوست - خم میشود و دست او را میبوسد؛ این درس به ماست.

کار به معنای وسیع کلمه، شامل کاریدی، کار جسمی، کار فکری، کار علمی، کار مدیریتی، در واقع محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه است؛ این را باید همه‌مان بدانیم. اگر کار نباشد، سرمایه، مواد، انرژی، اطلاعات، هیچکدام برای انسان مفید نخواهد بود. کار است که مثل روحی میدمد در سرمایه، در انرژی، در مواد اولیه، و آن را تبدیل میکند به یک موجود قابل مصرف، تا انسانها بتوانند از آن استفاده کنند. ارزش کار، اینهاست.

مسئله این است که در جمهوری اسلامی با کارگر تعارف وجود ندارد. یک عده‌ای در یک برهه‌ای حکومت به اصطلاح کارگری تشکیل دادند و چند ده سال دنیا را مشغول کردند؛ خیری از آنها به کارگر نرسید. مدیران کشورهای سوسیالیستی و کمونیستی، بهره‌های کلان را از جوامعشان بردند؛ فرمانروائی کردند، قدرت نمائی کردند، در زندگی مثل بقیه‌ی طواغیت عالم کامرانی کردند؛ به اسم کارگر. این دروغ است، این تعارف است.

در دنیای غرب هم بیمه‌های کارگری، حمایت از کارگر، و چه و چه، عمدتاً برای این است که کارگر کار کند تا آن - به قول معروف امروز - «یک درصد» لذت ببرد و کامرانی کند. با کارگر، صادق و روراست نیستند. اسلام با کارگر صادق است، روراست است، منطبق دارد. کار، ارزش آفرین است؛ ارزش است. در یک روایتی هست که: «العلم يهتف بالعمل فان اجاب و الا ارتحل»؛ (1) یعنی حتی دانش، مرهون کار است. در این روایت - که یک بیان نمادین و سمبلیک است - میفرماید: دانش، کار را صدا میزند؛ اگر کار پاسخ داد، دانش میماند و توسعه پیدا میکند؛ اگر کار پاسخ نداد، دانش هم می‌رود. ببینید چه بیان زیبایی است. یعنی پیدایش دانش، پایداری دانش، پیشرفت دانش، وابسته‌ی به کار است. اینها منطق است، اینها مبنای فکری است؛ اسلام اینجوری است. اسلام با قشر کارگر، صادقانه برخورد میکند.

البته اینها باید ترجمه‌ی عملیاتی بشود؛ این مبانی باید در اجرا، در برنامه‌ریزی، خودش را نشان بدهد؛ که خوب، تلاشهای زیادی شده، کارهای زیادی شده، بیشتر از آن هم باید بشود. لذا امسال ما گفتیم: «حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی»؛ کار ایرانی، سرمایه‌ی ایرانی. سرمایه هم عدل کار است. اگر سرمایه نباشد، کار تحقق پیدا نمیکند؛ اینها دوتا بالند، که تولید ملی با این دو بال حرکت میکند. سرمایه‌ی ایرانی هم احترام دارد، کار ایرانی هم احترام دارد. نتیجه‌ی سرمایه و کار عبارت است از تولید ملی. این باید تحقق پیدا کند.

هر سال به مناسبت هفته‌ی کارگر، کارگران عزیز در حسینیه پیش ما می‌آمدند؛ آنجا یک دیداری داشتیم، دو کلمه حرف می‌زدیم؛ امسال من آدم خدمت کارگرا؛ این کارخانه را - شرکت داروپخش را - به عنوان یک مرکز نمادین انتخاب کردیم. شما کارگران این کارخانه و کارگرانی که از کارخانه‌های دیگر تشریف آوردید، توجه بکنید که من برای ادای احترام، برای ادای تشکر از کار و کارگر ایرانی، امسال این برنامه را به این شکل درآوردم.

ما تا به کار ایرانی و سرمایه‌ی ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد؛ و اگر تولید ملی شکل نگرفت، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکند - یعنی در مسئله‌ی اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکند، بقیه‌ی حرفها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمیتواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد.

کشور ما به اقتصاد قوی و پایدار احتیاج دارد. من از سه سال یا چهار سال قبل، در سخنرانی‌های عمومی و بزرگ، به ملت‌مان، به عزیزان‌مان، به جوانان‌مان، به مسئولان‌مان تذکر دادم و گفتم بدانید توطئه‌ی دشمن، امروز متوجه به اقتصاد ماست. حالا ملاحظه می‌کنید؟ می‌بینید که نشانه‌های این توطئه‌ی بزرگی که برایش برنامه‌ریزی کردند، یکی پس از دیگری دارد ظاهر می‌شود.

البته شما ملت ایران، با همان عزم راسخی که مانع‌های دیگر را از سر راه برداشتید، ان‌شاءالله این مانع را هم از سر راه برمی‌دارید. این همت را کارگر بکند، سرمایه‌گذار بکند، مدیران دولتی بکنند، مدیران بخش خصوصی بکنند؛ آحاد مردم هم در مصرف تولید داخلی و تولید ملی، عزم راسخ خودشان را نشان بدهند.

کارهای اساسی باید بشود. خوشبختانه مشغول شده‌اند. همین طور که دوستان مسئول در دولت محترم اطلاع دادند، از اول سال، نشست‌هاشان، برنامه‌ریزی‌هاشان، تبادل نظر‌هاشان متوجه این مسئله شده است؛ من هم تأکید میکنم. موانع را باید بردارند. برای اینکه تولید ملی شکل بگیرد و اقتصاد داخلی استحکام و پایداری خودش را پیدا کند، همه باید تلاش کنند؛ مسئولین هم در درجه‌ی اول باید تلاش کنند؛ چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی مقننه و چه در قوه‌ی قضائیه. گاهی کار ممکن است به قوه‌ی قضائیه منتهی شود. جریان سالم و مورد توجه و دقت در اقتصاد کشور و در کار و تولید و سرمایه‌گذاری کشور، احتیاج دارد به مراقبت همه‌ی قوا با یکدیگر.

از ابعاد مختلف، کارهای گوناگونی باید انجام بگیرد: مسئله‌ی تقویت مهارتها در محیط کار، مسئله‌ی نگرشهای درست مدیریتی، مسئله‌ی توانمندسازی نیروی کار، مسئله‌ی ایجاد احساس امنیت؛ هم برای کارگر، هم برای سرمایه‌گذار - یعنی برنامه‌ها، قوانین و مقررات باید جوری باشد که هم کارگر احساس امنیت کند و خاطر جمع باشد، هم سرمایه‌گذار احساس امنیت کند - مسئله‌ی مواجهه‌ی درست با اخلاقیات اقتصادی. یکی از اخلاقیات اقتصادی، مسئله‌ی قاچاق است. یکی از اخلاقیات اقتصادی، سوءاستفاده‌های گوناگون از سرمایه‌های ملی است؛ از ذخائر متعلق به مردم در بانکهای کشور است. کسانی با یک نامی از تسهیلات استفاده میکنند، اما در جای دیگری مصرف میکنند؛ این خیانت است، این دزدی است. گاهی دزدی از کیسه‌ی یک نفر است، گاهی دزدی از کیسه‌ی یک ملت است؛ این سنگین‌تر است. با این اخلاقیات باید مواجهه بشود.

چند سال قبل از این، که من راجع به فساد اقتصادی به سران سه قوه نامه نوشتم و تأکید کردم، بعضی‌ها ترسیدند، گفتند ممکن است سرمایه‌گذار از این هشدارها پا عقب بکشد. من گفتم قضیه بعکس است؛ سرمایه‌گذار - آن کسی

که میخواهد از طریق سالمی در کشور فعالیت اقتصادی کند - از اینکه ببیند ما با فساد اقتصادی و با مفسد اقتصادی مبارزه میکنیم، خوشحال میشود. ما باید بتوانیم این مبارزه‌ی درست را در سطح قانونی انجام بدهیم.

ما باید به ایجاد مزیت‌های رقابتی توجه کنیم. ما می‌گوئیم تولید داخلی. البته امروز خوشبختانه در زمینه‌ی تولید داخلی پیشرفت‌های زیادی به وجود آمده. مطمئناً آن مقداری که در ذاکره‌ی عمومی مردم هست، کمتر است از آن مقداری که کار انجام گرفته. این کار نو و برجسته‌ای که خوشبختانه در این شرکت انجام گرفته و ما امروز دیدیم، خیلی باارزش است؛ تأسیس، ایجاد و راه‌اندازی‌اش، به وسیله‌ی نیروی داخلی و در مدت کوتاهی؛ طراحی‌اش داخلی، ساختش داخلی، وسائش داخلی. لیکن در خصوص برجسته کردن تولید ملی، مسئله‌ی کیفیت خیلی مهم است؛ که مدیریت‌های تولیدی و کارگرهای عزیز باید به این مسئله توجه کنند. مسئله‌ی قابل رقابت بودن قیمت تمام شده مهم است و باید به آن توجه کنند؛ که این البته کمک دولت را میخواهد. اینها کارهای فراوانی است که باید انجام بگیرد. این کارها فقط بر عهده‌ی دولت هم نیست؛ دولت، مجلس شورای اسلامی، دستگاه‌های گوناگون مدیریتی، بخش خصوصی، آحاد مردم، فرهنگ‌سازان جامعه - آن کسانی که با بیانات خودشان برای مردم فرهنگ می‌سازند - تبلیغات صدا و سیما، همه‌ی اینها باید در خدمت تولید ملی قرار بگیرد. اگر ما موفق شدیم این کار را انجام بدهیم، بدانید ضربه‌ی سختی بر دشمنان خونخوارمان وارد خواهد آمد.

سیاست‌گذاری تولیدمحور، فرهنگ‌سازی برای مصرف تولید داخلی، ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی، نوسازی و ابتکار در ماشینها، در محصولات، در مدیریت، در ساخت؛ اینها کارهایی است که باید انجام بگیرد و امیدواریم ان شاءالله انجام بگیرد.

من از دوستان، برادران و خواهران که در این هوای گرم، زیر آفتاب نشستند - که خوشبختانه آفتاب اردیبهشت ما از آفتاب اردیبهشتی گرمتر است - خیلی معذرت میخواهم. امیدواریم ان شاءالله زندگی شما، زندگی شیرین و گرم و بانشاطی باشد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(1) نهج البلاغه، حکمت 372